

بیانات در مراسم جشن میلاد حضرت زهرا سلام الله علیها - 20 / آذر / 1404

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الطيبين الطاهرين المعصومين سيما بقيّة الله فى الارضين.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز. خیلی بهره بردیم از اجرای برادران عزیزی که اینجا برنامه اجرا کردند. شعرهای پرمغز و بامضمون، مجلس را به روز کرد. خیلی از مجلسها هست که جمعیت هست، اما مربوط به این زمان نیست. این مجلس، مجلس این زمان است. این شعرها و این حرکات و این اظهارات و این بیانات شماها و اجتماع شما و شور و حال شما مجلس را به روز کرد.

تبریک عرض میکنم ولادت حضرت سیدة النساء صدیقه طاهره (سلام الله علیها) را، همچنین ولادت امام عزیز بزرگوارمان را. درباره‌ی حضرت صدیقه طاهره من فقط یک جمله عرض میکنم، چون فضایل و مناقب و برجستگی‌های این بانوی الهی و عرشی چیزی نیست که ما بتوانیم آن را در اظهاراتمان بیان کنیم؛ خیلی فوق فهم ما و تصوّر ما و درک ما است؛ اما میتوان این جور گفت که او اسوه بود. مگر نمیخواهیم عمل کنیم؟ مگر نمیخواهیم فاطمی زندگی کنیم؟ او اسوه بود؛ باید بر طبق رفتار اسوه و حرکات اسوه رفتار کرد و حرکت کرد. اسوه‌ی دین‌داری بود، اسوه‌ی عدالت‌خواهی بود، اسوه‌ی جهاد بود. جهادی که فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) کرد، جزو دشوارترین جهادها است. اگر انسان بخواهد مقایسه کند، شاید همه‌ی غزوات پیغمبر یک طرف و جهاد فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) یک طرف. اسوه‌ی جهاد بود. اسوه‌ی تبیین بود؛ آن خطبه‌ی غراء مسجد مدینه یک تبیین فوق‌العاده بی‌نظیر و روشن و درس‌آموز بود. اسوه‌ی وظایف زنانگی بود؛ شوهرداری، فرزنداری، زینب‌پروری و بسیاری دیگر از ارزشهای اسلامی. اینها مقولات ظاهری و قابل فهم و قابل دید ما است؛ مقولات باطنی و عرشی از دید ما بالاتر است و قابل توصیف نیست.

و اما سخنی در باب مدّاحی؛ حرف امروز من چند کلمه در باب مدّاحی است. امروز مدّاحی یکی از عرصه‌های بسیار مهمّی است که شایسته است درباره‌ی آن پژوهش انجام بگیرد. امروز مدّاحی فقط آمدن و خواندن و گریاندن و مانند اینها نیست؛ امروز مدّاحی در کشور ما یک پدیده‌ای شده که درخور پژوهش و تحقیق است. پژوهش یعنی چه؟ «عمق‌یابی»؛ [شناخت اینکه] پشت این شعر و آواز و آهنگ و رفتار چیست و چه چیزی قرار دارد. «آسیب‌شناسی»؛ ممکن است آسیب‌شناسی، ما را به یک نقاط ضعفی برساند. جستجو از «راه‌های رشد»؛ [اینکه] چه کار کنیم که مدّاحی در راه رشد پیش برود، به سمت تکامل و در مسیر تکامل حرکت کند. اینها مجموعه‌ای است که یک جمع محقق و پژوهشگر میباید و میتوانند درباره‌ی این، کار کنند؛ امروز این لازم است.

البته در گذشته هم مدّاحی بود؛ زمان جوانی ما هم مدّاحهایی بودند، البته نه به این گسترش، نه به این تعداد، نه با این آگاهی، نه با این سواد، ولی بودند. البته یک امتیازاتی هم آنها داشتند – [مثلاً] قصاید بلند و غراء را از بر میخواندند – لکن مجموعاً فاصله‌ی مدّاحی دوران جوانی ما با مدّاحی امروز خیلی زیاد است؛ امروز مدّاحی در جامعه‌ی ما یک پدیده‌ی حیرت‌انگیزی شده. اینها را عرض میکنم که مدّاحان عزیز ما بدانند چه کار دارند میکنند. البته میدانید؛ شعرهای امروز و حرفهای امروز نشان داد که مدّاحها میدانند کجا قرار دارند و چه وظیفه‌ای را بر عهده گرفته‌اند. امروز بعد از چند دهه، این پدیده‌ی بسیار مهمّ مدّاحی به شکل یک عنصر اثرگذار در کشور ظاهر شده. ما

به این احتیاج داریم. ما احتیاج داریم عوامل اثرگذار که روی ذهنها و مغزها و دلها اثر میگذارد، تقویت کنیم؛ اولاً بشناسیم، ثانیاً تقویت کنیم. حرف اصلی من این است که حالا عرض خواهم کرد.

البته مدّاحی‌ها همه در یک سطح نیستند، کم و زیاد دارند. همه‌ی پدیده‌ها همین‌جور هستند، همه یک‌جور نیستند؛ بعضی‌ها برترند، بالاترند، بعضی‌ها متوسط‌ترند؛ اما آنچه میتوان به صورت تقریبی و میانه بیان کرد، این است که امروز مدّاحی یکی از پایگاه‌های «ادبیات مقاومت» است. امروز مدّاحی یک پایگاهی است برای ادبیات مقاومت. اگر یک «فکری» وجود داشته باشد و «ادبیات» متناسب با آن فکر وجود نداشته باشد، آن فکر میمیرد، از بین میرود. تولید ادبیات مناسب با اندیشه و فکر، یک هنر بزرگی است. یکی از مراکز و پایگاه‌هایی که این ادبیات را – ادبیات مقاومت را – تدوین میکند، گسترش میدهد، منتقل میکند، عبارت است از پدیده‌ی مدّاحی و هیئت.

خب، «مقاومت ملی» یعنی چه؟ اینکه میگوییم «ادبیات مقاومت ملی»، مقاومت ملی یعنی چه؟ امروز گفته میشود «جبهه‌ی مقاومت»؛ خب این چیست؟ اینها در مقابل چه چیزی مقاومت میکنند؟ «مقاومت ملی» یعنی تاب‌آوری در برابر هر فشاری که دشمن در یکی از جنبه‌های زندگی انسان وارد می‌آورد تا آن ملت را مجبور کند به تسلیم؛ منظور ما از «مقاومت» ایستادگی در مقابل این فشار است؛ تاب بیاورد، مقاومت کند، بایستد، پایداری کند، پای دشمن را ببرد، دست دشمن را قطع کند.

این فشاری که میگوییم ممکن است وارد بیاید، فرق نمیکند [چه باشد]؛ گاهی فشار نظامی است که خب ماها دیدیم؛ جوانها ندیده بودند، دیدند؛ ما آن چهل سال قبل هم دیدیم. فشار نظامی برای وادار کردن جمهوری اسلامی به قبول یک تحمیل! این فشار [ممکن است] با وسایل نظامی باشد، با وسایل اقتصادی باشد یا فشار با هوجبگری و جوسازی رسانه‌ای باشد. فضای مجازی را نگاه کنید، رادیوهای خارجی را ببینید، اظهارات نه فقط روزنامه‌نگار و مثلاً خبرنگار، [بلکه] مقامات نظامی بالا و مقامات سیاسی در دنیا را ببینید؛ همه‌ی اینها متوجه یک نقطه و یک مرکز است و آن مرکز، فشار بر روی ایستادگی و مقاومت ملتها و در رأسشان ملت ایران است؛ امروز این‌جوری است. بنابراین، این فشار میتواند فشار نظامی باشد، فشار اقتصادی باشد – مثلاً تحریم باشد – فشار رسانه‌ای باشد، فشار در فضای مجازی باشد، جاسوس‌پروری باشد و امثال اینها.

هدف از این فشار هم میتواند توسعه‌طلبی سرزمینی باشد، مثل این کاری که حالا آمریکایی‌ها دارند با بعضی از کشورهای آمریکای لاتین انجام میدهند؛ میتواند برای منابع زیرزمینی باشد، که فشار می‌آورد برای اینکه منابع نفت فلان کشور را مثلاً تصرف کند؛ یا موضوعات فرهنگی و دینی باشد؛ یا فشار برای تغییر سبک زندگی باشد که عمده‌تاً اینها از راه ابزارهای رسانه‌ای انجام میگیرد؛ یا اساسی‌تر از همه، فشار برای تغییر هویتی باشد. صد سال است که سعی غربی‌ها، که در زمان اواخر قاجار وارد ایران شدند، این است که هویت ملت ایران را تغییر بدهند؛ هویت دینی‌شان، هویت تاریخی‌شان، هویت فرهنگی‌شان. رضاخان قدم اول را برداشت، [اما] موفق نبود؛ بعدی‌ها سیاستمداران‌تر حرکت کردند، کارهایی کردند، [اما] موفق نشدند؛ انقلاب اسلامی هم آمد همه را شست، ریخت بیرون. فشار برای تغییر هویت ملت ایران. در هر صورت، در همه‌ی این موارد، مقاومت لازم است. گفتیم مقاومت یعنی چه؟ یعنی تاب‌آوری، پایداری، ایستادگی، تسلیم نشدن، عامل فشار را ناکام گذاشتن؛ این معنای مقاومت است. اینکه امروز ما دائم دم از جبهه‌ی مقاومت می‌زنیم یعنی این؛ یک روز فقط ایران بود، امروز به کشورهای منطقه و حتی در مواردی به کشورهای خارج از منطقه توسعه پیدا کرده؛ مقاومت بتدریج گسترش پیدا کرده.

البته ملت ما از اول تشکیل جمهوری اسلامی و پیروزی انقلاب اسلامی توانست مقاومت کند، توانست بایستد، توانست در مقابل فشار دشمن تسلیم نشود. همه‌کار کردند – دیگر حالا اینها را چون زیاد گفته‌ایم و تکرار کرده‌ایم،

نمیخواهم تکرار کنم که چه کارها کردند - بعضی از کارهایی که دشمن درباره‌ی ملت ایران کرد، جوری بود که درباره‌ی هر کشوری و هر ملتی انجام میگرفت، [آنجا را] کن فیکون میکرد، اما ملت ایران محکم ایستاد، جمهوری اسلامی با کمال استقامت، با کمال مقاومت ایستاد.

مدّاحی ما از اوّل انقلاب به این سمت حرکت کرد؛ نه همه، اما شروع شد؛ در دوران جنگ به اوج خودش رسید. در دوران جنگ هر کدام از این شهدا پرچمی شدند برای برپا نگه داشتن ملت ایران، [آن هم] به وسیله‌ی مدّاحها؛ مدّاحها این کار را کردند. این جنازه که می‌آمد، اگر آن مدّاح نبود، اگر آن حماسه‌ی شعری در فضا نمیپیچید و دلها را به خود جذب نمیکرد، آن شهید فراموش میشد. زینبی کار کردند؛ زینب، کربلا را زنده کرد و نگه داشت در تاریخ. این کاری بود که از اوّل انقلاب شروع شد، ادامه پیدا کرده تا امروز، امروز هم هست. البته حالا همه‌ی مجالس مدّاحی، مثل مجلس امروز ما نبود و نیست، میدانم، لکن در همه‌ی مجالس یک گرایشی، یک نگاهی، یک حرکتی به مفهوم و مصداق مقاومت در ایران وجود دارد.

حالا حرف من به طور خلاصه این است؛ من فقط همین یک جمله را میخواهم عرض کنم که امروز ما فراتر از درگیری‌های نظامی - که وجود داشت، دیدید و همین‌طور دائماً احتمال [تکرار] آن را هم میدهند، بعضی هم عمداً در این کانون میدمند برای اینکه مردم را دل‌به‌شک نگه دارند، دلهره ایجاد کنند، که موفق هم نمیشوند ان شاءالله - در کانون یک درگیری تبلیغاتی و رسانه‌ای هستیم؛ با چه کسی؟ با یک جبهه‌ی وسیع. ما در جنگ تبلیغاتی قرار داریم، در جنگ معنوی قرار داریم. دشمن فهمید که تصرف این ملک و این سرزمین الهی و معنوی با ابزار فشار و ابزار نظامی امکان ندارد. فهمید که اگر بخواهد تصرفی بکند، دخالتی بکند، موفقیتی پیدا کند باید دلها را تغییر بدهد، باید مغزها و فکرها را عوض کند؛ رفتند در این خط. البته ما در مقابلشان محکم ایستاده‌ایم، اما امروز خطر این است، خط این است، هدف دشمن این است. هدف دشمن در کشور ما محو کردن آثار مشعشع مفاهیم انقلابی است؛ هدفش این است که بتدریج مردم را از یاد انقلاب، از یاد هدف انقلاب، از یاد کارهایی که در انقلاب شد، از یاد امام انقلاب منصرف کند؛ برای این دارند کار میکنند، دارند تلاش میکنند؛ میلیاردها خرج میکنند؛ نمیگویند، لکن ما میدانیم. نویسنده، هنرمند، کتاب‌نویس، رمان‌نویس، هالیوود و غیر اینها را به کار میگیرند، از ابزارهای گوناگون استفاده میکنند برای اینکه ذهن جوان ایرانی را تغییر بدهند. جبهه‌ی فعال در این قسمت در مقابل ما یک جبهه‌ی وسیعی است؛ البته مرکز آمریکا است، دُروِ برش هم بعضی از کشورهای اروپایی‌اند و در حاشیه‌اش هم مزدورها و خائنها و بی‌وطن‌ها و اینهایی [هستند] که در اروپا و در جاهای دیگر جمع شده‌اند برای اینکه به نان و نوایی برسند، این را هم شیوه‌ی خودشان قرار داده‌اند. ما در مقابل اینها قرار داریم.

بنابراین جبهه‌ی انقلاب و کارگزاران مقاومت باید این وضع دشمن را بشناسند، آرایش خودشان را بر طبق این نظم دشمن و مقصود دشمن قرار بدهند. ما در مسائل نظامی، آرایش صفوفمان بستگی دارد به هدف دشمن؛ وقتی می‌بینیم دشمن به یک نقطه‌ای میخواهد حمله کند، نوعی آرایش نظامی میگیریم که دشمن را ناکام کنیم؛ این کار در باب تبلیغات باید انجام بگیرد. آرایش تبلیغاتی بایستی به سمتی برود که دشمن درست همان سمت را هدف قرار داده، و آن عبارت است از معارف اسلامی، معارف شیعی و معارف انقلابی؛ دشمن اینها را هدف قرار داده؛ باید در مقابل اینها ایستاد. البته کار آسانی هم نیست لکن خوشبختانه امروز ما فضلی زیادی داریم در حوزه‌های علمیّه که در این زمینه‌ها کار کرده‌اند، فکر کرده‌اند، محصول دارند و جامعه‌ی مدّاح کشور میتواند کاملاً از آنها بهره‌برداری کند.

شما مدّاحها میتوانید این هیئتی را که در آنجا هستید، تبدیل کنید به کانون پایبندی به ارزشهای انقلاب و [دیگر] ارزشها؛ بخصوص امروز که جوانها خوشبختانه اقبال به هیئت دارند. امروز اقبال جوانها به هیئت خیلی زیاد است؛

در گذشته این جور نبود. امروز جوانها در شهرهای مختلف – که ما هم اطلاع پیدا میکنیم یا در تلویزیون می بینیم یا خبر میگیریم – خوشبختانه اقبال دارند و کار میکنند، تلاش میکنند؛ این را بایستی قدر دانست و نسل جوان را در مقابل هدف این دشمن لجوج و خبیث و متأسفانه دارای امکانات، مصون سازی کرد.

من توصیه میکنم در مدّاحی‌ها درباره‌ی ائمه (علیهم السّلام)، تبیین معارف را برجسته کنید. به نظر بنده ائمه (علیهم السّلام) دو کار عمده انجام میدادند: یکی تبیین معارف بود، که [به واسطه‌ی آن] معارف اسلامی باقی ماند؛ اگر آنها تبیین نمیکردند معارف اسلامی را، امروز از اسلام و از معارف حقیقی اسلام هیچ چیز باقی نمانده بود؛ یکی این بود؛ یکی مبارزه بود. ائمه مبارزه میکردند. روی این زمینه، بنده حرفهای زیادی در سالهای طولانی گفته‌ام. همه‌ی ائمه مشغول مبارزه بودند. از بعد از امیرالمؤمنین (علیه السّلام) – چه در زمان امام مجتبی، چه در زمان حضرت سیدالشهدا، چه در زمان ائمه‌ی بعدی – همه‌ی ائمه مشغول مبارزه بودند؛ مبارزه‌ی با دستگاه خلافت، مبارزه‌ی با دشمنان حقیقت، هر کدام با شیوه‌ی خودشان؛ هر کدام با یک شیوه، اما همه مبارزه میکردند؛ این را بایستی در زندگی ائمه، در بیان زندگی ائمه بیان کرد. بنابراین [یک توصیه] تبیین معارف دینی، تبیین معارف مبارزاتی و انقلابی [است].

یک توصیه این است که در مواجهه‌ی با دشمن، به دفاع از آنچه او شبهه‌آفرینی میکند اکتفا نکنید. البته دفاع لازم است، باید شبهه‌آفرینی دشمن را رد کرد لکن دشمن نقطه‌ضعف زیاد دارد؛ آن نقطه‌ضعف‌ها را هدف قرار بدهید، به آنها هجوم بیاورید، هجوم بیاورید در مفاهیم شعری، که خب امروز بعضی از برادرها خوشبختانه در این زمینه هم نشان دادند که توانایی خوبی وجود دارد.

یک توصیه این است که منبر [مدّاحی] را از نقاط قوّت اسلام، چه در مسائل شخصی، چه در مسائل اجتماعی، چه در سیاست، چه در برخورد با دشمن – اسلام در این زمینه‌ها معارف مهمّی دارد، نقاط قوّتی دارد – سرشار کنید از این معارف؛ یعنی کسی که پای صحبت شما، برنامه‌ی شما می‌نشیند، از قرآن، از مفاهیم قرآنی بخش زیادی را بهره‌مند بشود و استفاده کند. تبدیل کنید مدّاحی را به یک ابزار مؤثر و مهمّی برای ترویج دین و ترویج مفاهیم دینی و مسائل انقلابی؛ این کار الان دارد تا حدود زیادی انجام میگیرد؛ این را گسترش بدهید، این را تقویت کنید، این را عمومی کنید و در همه‌ی موارد این وجود داشته باشد. گاهی اوقات تأثیر یک نوحه‌ی خوش‌ساخت خوش‌مضمون که شما آن نوحه را در منبر میخوانید، در دل مخاطبتان از یک منبر یا دو منبر استدلالی و فلسفی و منطقی، هم خیلی بیشتر است، هم ماندگارتر است.

بحث خوانندگی خوش‌ساخت شد، مراقب باشید در این زمینه اشتباه صورت نگیرد؛ آهنگهای دوران طاغوت راه پیدا نکند در مفاهیم دینی ما؛ انسان گاهی یک جاهایی می‌شنود. مراقبت کنید! آهنگ مدّاحی، آهنگ شما است، مال شما است، ابتکار شما است؛ نباید آنچه را مربوط به دشمنان شما است – که شما علیه آنها قیام کردید، ملتتان علیه آن معارف، علیه آن فرهنگ غلط قیام کردند – نفوذ کند در کار شما و در بیان شما.

بنابراین آنچه بنده احساس میکنم و میبینم، خوشبختانه در بین ابزارهای مهمّ پیشرفت کشور، پدیده‌ی مدّاحی جایگاه ویژه‌ای دارد. شما دارید کار میکنید، تلاش میکنید، و همان‌طور که گفتم، احتیاج دارد به پژوهش؛ باید آسیب‌شناسی بشود، باید راه‌های تکاملش پیدا بشود، باید محتواهای مناسب و شاید آهنگهای مناسب برای این کار آماده بشود، تهیّه بشود. مدّاحی را حفظ کنیم، نگه داریم، تکامل ببخشیم و از این پدیده استفاده کنیم.

من به شما عرض کنم، به توفیق الهی جمهوری اسلامی در حال پیشرفت است. کمبود زیاد داریم؛ اشاره کردند به گرد

و غبار خوزستان ؛ (۲) این یکی از کوچک‌ترین‌هایش است. کمبودهای بیشتری هم در کشور وجود دارد اما کشور دارد جلو میرود، دارد پیش میرود. ملت ایران دارند روزبه‌روز برای اسلام آبرو درست میکنند، نشان میدهند که اسلام یعنی ایستادگی، اسلام یعنی قدرت، اسلام یعنی صدق و صفا، اسلام یعنی خیرخواهی و عدالت‌خواهی ؛ اینها را ملت ایران دارند بتدریج نشان میدهند. البته تحولات بزرگ در یک کشور به چشم نمی‌آید، چون تدریجی است، چون طولانی‌مدت است – کوتاه‌مدت نیست و در یک لحظه انجام نمی‌گیرد تا انسان ببیند ؛ بتدریج انجام می‌گیرد – اما من میخواهم عرض بکنم به توفیق الهی بتدریج جامعه پیشرفت میکند. نوجوان امروز نسبت به مسائل دینی – غیر از همان اوایل اوایل انقلاب – از برهه‌ای از این میانه‌ها بمراتب جلوتر و پیشتر است، بعد از این هم ان شاءالله پیشتر خواهد رفت.

روح مقدس شهیدان و روح مقدس امام بزرگوار شاد باد که این راه را در مقابل ملت ایران باز کرد.

والسلام علیکم و رحمة الله

- (۱) در ابتدای این دیدار، جمعی از ستایشگران اهل بیت (علیهم السلام) به شعرخوانی و مدیحه‌سرایی پرداختند.
- (۲) اشاره به اشعار یکی از ستایشگران از خوزستان